

انتخاب نام امام علی از سوی خداوند

با وجود اعتراف بسیاری از بزرگان اهل سنت به اینکه نام حضرت علی (ع) را خداوند متعال انتخاب کرده است کارشناسان شبکه های وهابی با این دیدگاه اهل سنت مخالفت کردند و منکر چنین قضیه ای شدند.

با وجود اعتراف بسیاری از بزرگان اهل سنت به اینکه نام حضرت علی (ع) را خداوند متعال انتخاب کرده است کارشناسان شبکه های وهابی با این دیدگاه اهل سنت مخالفت کردند و منکر چنین قضیه ای شدند. به گزارش سرویس مانیتورینگ خبرگزاری رسا ، از آن جایی که تمامی کتب آسمانی، نام حضرت محمد (ص) و امام علی (ع) را به ترتیب به عنوان نبوت و امامت ذکر کرده اند می توان گفت: پروردگار نام این دو نفر را هزاران سال قبل از خلقت و در ملکوت اعلی ثبت نموده است. لذا نامگذاری امیرالمؤمنین علی (ع) پس از ولادت ایشان صورت نگرفته است بلکه پیش از آن بوده است، به طوری که:

1- حافظ گنجی که از شخصیت های مورد تأیید بزرگان اهل سنت می باشد، در کتاب «کفایه الطالب، ص 406» نقل می کند:

«وقتی ابوطالب (ع) قضیه ورود فاطمه بنت اسد به درون کعبه را شنید، (این ماجرا حداقل سه شبانه روز نقل محافل مکه بود) به کنار کعبه شتافت و در همان ابتدا که فاطمه بنت اسد از شکاف کعبه بیرون آمد، قنடை از وی گرفت و روی به خدای عالم کرده عرضه داشت:

یا رب هذا الغسق الدجی / والقمر المنبلج المضى
بین لنا من أمرک الخفی / ماذا ترى فی اسم ذا الصبی
ای خداوند تاریکی و آفتاب و ماه! از آن امر و الطاف خفی خود بر ما روشن نما که ما اسم این کودک را چه بگذاریم.

جناب ابوطالب شنید صدای هاتفی را که می گوید:
یا أهل بیت المصطفی النبی / خصصتم بالولد الزکی
این اسم من شامخ العلی / علی اشتق من العلی
ای دودمان مصطفای پیامبر اکرم (ص)، خداوند این نوزاد تازه را ویژه شما گرداند. نام او از ناحیه خداوند است و او علی است که مشتق شده از نام خداوند».

2- قندوزی حنفی در کتاب «ینابیع المودة، ج 2، ص 306» نقل می کند و می گوید:

«ابوطالب (ع) از این قضیه (انتخاب نام امام علی (ع) از طرف خداوند) بسیار شادمان شد و در برابر خداوند سجد کرد و ده شتر برای امیرالمومنین (ع) عقیقه کرد. این شعر ابوطالب و صدای هاتف قضیه در لوحی نوشته شد و در خانه خدا آویزان بود و بنی هاشم بر قریش فخر فروشی می کردند از این جهت، تا اینکه این لوح در زمان جنگ حجاج با ابن زبیر به سرقت رفت».

و نیز در «ینابیع المودة» از امام الحرم از سیره «وسیله المتعبدین» الشیخ الصالح عمر بن محمد بن خضر الاربلی الملاویه آمده است که رسول الله (ص) فرمودند:

«در شب معراج که مرا به ملکوت اعلا بردند، به طرف راست بالای عرش نظر کردم کتیه ای دیدم که بر آن نوشته بود: محمد (ص) پیامبر خداست و او را به وجود علی (ع) تأیید و یاری نمودیم». «کنز العمال، ج 11، ص 624»، «شواهد التنزیل، ج 1، ص 293 و 299»، «تاریخ مدینه دمشق، ج 16 و 42، ص 336 و 360 و 456»، «ینابیع المودة ص 207»، «میزان الاعتدال؛ لسان المیزان 5، ص 167»

3- ابن شهر آشوب از علمای بزرگ شیعه که مورد تأیید تمامی علمای اهل سنت بوده و بسیاری از آنان همچون ابن حجر عسقلانی در کتابهای خود از این عالم بزرگ شیعه نقل های بسیاری می آورند و استناد می کنند، در کتاب «مناقب آل ابیطالب، ج 2، ص 23» می نویسد:

«وقتی ابوطالب (ع) قنடை امیرالمومنین (ع) را به دست گرفت، عرضه داشت:

یا رب ذا الغسق الدجی / و القمر المبتلج المضى

بین لنا من حکمک المقضى / ما ذا ترى فى اسم الصبى

یک چیزی شبیه ابر در آسمان پدیدار شد و تا نزدیک سینه ابوطالب (ع) قرار گرفت و وقتی این ابر کنار رفت، دید یک لوح سبزی است که در او نوشته شده است:

خصصتما بالولد الزکی / و الطاهر المنتجب الرضى

فإسمه من شامخ العلی / علی اشتق من العلی

این لوح را از کعبه آویزان کردند. تا اینکه هشام بن عبدالملک (با آن عداوتی که نسبت به اهل بیت (ع) داشت آن را برداشت و بعد از او دیگر کسی این لوح را مشاهده نکرد).

4- علمای مشهوری همانند: محمد بن جریر طبری در «تفسیر» خود، ابن عساکر در «تاریخ» خود، محمد بن یوسف گنجی شافعی در «کفایت الطالب»، حافظ ابو نعیم در «حلیة الاولیا» و شیخ سلیمان بلخی حنفی در «ینابیع المودة» نقل کرده اند که رسول الله (ص) فرمودند:

«بر بالای عرش این کلمات نوشته شده که به جز خدای یکتای بدون شریک، خدای دیگری نیست. محمد (ص) بنده و رسول من است که او را با علی بن ابی طالب (ع) تأیید نموده ام». «الکنی واللقاب، ج 1، ص 165»

5- همچنین خطیب خوارزمی در «مناقب»، ابن شیرویه در «فردوس» و ابن مغازلی فقیه شافعی همگی از جابر بن عبدالله انصاری نقل نموده اند که «پیامبر خدا (ص) فرمودند:

پیش از آن که خداوند آسمان ها و زمین را خلق کند، بر سر در بهشت کلمات «لا إله إلا الله»، «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ»، «علی ولی خدا و برادر پیامبر خدا» نوشته شده بود». «ینابیع المودة لذوی القربی، ج 1، ص 250، نظم در السمتین، ص 123»

6- میر سید علی فقیه شافعی نیز در «مودة هشتم از مودة القربی» نقل می کند که «پیامبر خدا (ص) به امام علی (ع) فرمودند:

اسم تو را در چهار محل، همراه با اسم خودم دیده ام :

الف: در شب معراج وقتی به بیت المقدس رسیدم بر صخره آن جمله «لا إله إلا الله مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ایدته بعلى وزیره» را یافتم.

ب: به سدرۃ المنتهی که رسیدم جمله «إني أنا الله لا إله إلا الله وَحْدِي وَ مُحَمَّدٌ صَفْوَتِي من خلقی ایدته بعلى وزیره ونصرته به» را ثبت شده دیدم.

ج: وقتی به عرش رب العالمین رسیدم دیدم بر ستون های آن نوشته شده است «إني أنا الله لا إله إلا أنا مُحَمَّدٌ حبيبي من خلقی ایدته بعلى وزیره ونصرته به».

د: وقتی به بهشت رسیدم دیدم بر در بهشت «لا إله إلا أنا مُحَمَّدٌ حبيبي من خلقی ایدته بعلى وزیره ونصرته به» نوشته شده است.

7- ثعلبی در «تفسیر کشف البیان» و شیخ سلیمان بلخی حنفی در «ینابیع المودة» از ابن عباس آورده اند که «آیه 62 سوره مبارکه انفال؛ خدای تعالی به نصرت خود و یاری مؤمنان تو را موید و منصور می گرداند، درباره علی (ع) آمده است. همچنین پیامبر خدا (ص) فرمود: دیدم که بر عرش نوشته شده: خدایی به جز خدای یکتای بدون شریک نیست. محمد بنده و رسول من است که او را با علی بن ابی طالب تأیید نمودم».

«کنز العمال، ج 11، ص 624، شواهد التنزیل، ج 1، ص 293، تاریخ بغداد، ج 11، ص 173، جواهرالمطالب فی مناقب الامام علی، ج 1، ص 92»

8- آیه 37 سوره بقره دلالت بر آن دارد که چون آدم از خدای خود کلماتی آموخت، پس توبه او پذیرفته شد. ثعلبی همچنین در «تفسیر کشف البیان» و شیخ سلیمان بلخی حنفی در «ینابیع المودة» به روایت از ابن مغازلی شافعی در ذیل آیه فوق آورده اند که «از رسول الله (ص) درباره کلماتی که حضرت آدم به آن کلمات توبه نمود و توبه اش پذیرفته شد، پرسیدند. پیامبر خدا (ص) فرمودند:

خدا را به حق محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) قسم داد، پس خداوند توبه او را پذیرفت، او را آمرزید و عفو نمود». «مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 243؛ العمدة، ص 379؛ تذکرة الموضوعات، ص 98»

اکنون برای برخی ممکن است این سؤال پیش آید که مگر ابوطالب یا فاطمه بنت اسد، پیغمبر بوده اند که نام علی (ع) به آن ها وحی

شده است؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت که وحی به معنای اعلام و ابلاغ پنهانی است. چون وحی دارای مراتبی است، پس صرفاً مخصوص انبیا نمی باشد و چنانچه خداوند در آیه 68 سوره مبارکه نحل می فرماید:

«خدا به زنبور عسل وحی کرد که در کوه ها و درختان و سقف های بلند منزل گیرد».

مخلوقات دیگری هم مثل زنبور عسل و مادر حضرت موسی، مورد وحی و الهام قرار گرفته اند. در آیه 7 سوره قصص نیز به مادر حضرت موسی گفته شده است:

«وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ إِذَا فَخَّرَتْ عَلَيْهِ فَاتَّقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ؛ به مادر موسی وحی کردیم که طفلت را شیر ده و چون از آسیب فرعونیان بر او ترسان شدی، او را به دریا افکن. هرگز نترس و محزون مباش که ما او را به تو باز خواهیم گرداند، و او را از پیامبران مرسل گردانیم».

سوره مریم نیز از راهنمایی حضرت مریم، مادر حضرت عیسی (ع) خبر می دهد:

«فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا وَهُرِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقُطُ عَلَيْكَ رُطْبًا غِنِيًّا فَكُلِي وَاشْرَبِي وَكُورِي عَيْنًا فَلَمَّا تَرَيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنَّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أَكَلِمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا؛

از زیر درخت او را ندا داد که غمگین مباش که خدایت از زیر قدم تو چشمه آبی جاری کند. ای مریم! شاخه درخت را حرکت ده تا از آن برای تو رطب تازه فرو ریزد. از این رطب تناول کن و از این چشمه نیز آب بنوش. چشم خود را به عیسی روشن دار - مواظب باش - و هر کس از مردم را دیدی با اشاره به وی بگو که من برای خدا روزه سکوت نذر کرده ام تا با کسی سخن نگویم. «مریم، آیه 24 و 25»

به استناد همان شواهد، دستور نامگذاری نوزاد متولد شده فاطمه بنت اسد در کعبه به ابوطالب وحی شد. آنگونه که در «مودة القربی، ینابیع المودة و کفایة الطالب» نقل شده: «چون مولود کعبه از مادرش فاطمه متولد شد، فاطمه اسم پدرش اسد را بر او نهاد، ولی ابوطالب از این نامگذاری خرسند نبود. پس به فاطمه گفت: «بیا امشب با هم به کوه ابوقبیس (یا مسجد الحرام) برویم و خدا را بخوانیم تا شاید برای اسم این بچه راهنمایی شویم».

شب هنگام، هر دو به کوه ابو قبیس (یا مسجد الحرام) رفته و به دعا مشغول شدند. ابوطالب دعای خویش را آغاز نمود و خواست تا خداوند از خزانه غیب خویش نام این نوزاد را آشکار نماید. در آن هنگام صدایی از آسمان برخاست. ابوطالب سر به آسمان بلند کرد، لوحی از زبرجد سبز مشاهده کرد که بر آن چهار سطر شعر نوشته بود. لوح را برگرفت و بر سینه اش چسباند. در آن لوح اسم «علی» که مشتق شده از «اعلی» است، نوشته شده بود. ابوطالب از شدت خوشحالی به سجده افتاد و باری تعالی را شکر نمود. سپس به شکرانه این امر عظیم، ده شتر قربانی نمود و آن لوح را در مسجد الحرام آویخت. بنی هاشم به داشتن آن لوح بر قریش افتخار می کرد. آن لوح تا زمان جنگ حجاج با عبدالله بن زبیر، در مسجد الحرام وجود داشت و بعد مفقود گردید».